احمد شیرزاد در گفت‌وگو با «شرق»:

مردم بیایند، قدرت مانور تخریبگران کم خواهد شد

طیبه مشایخی

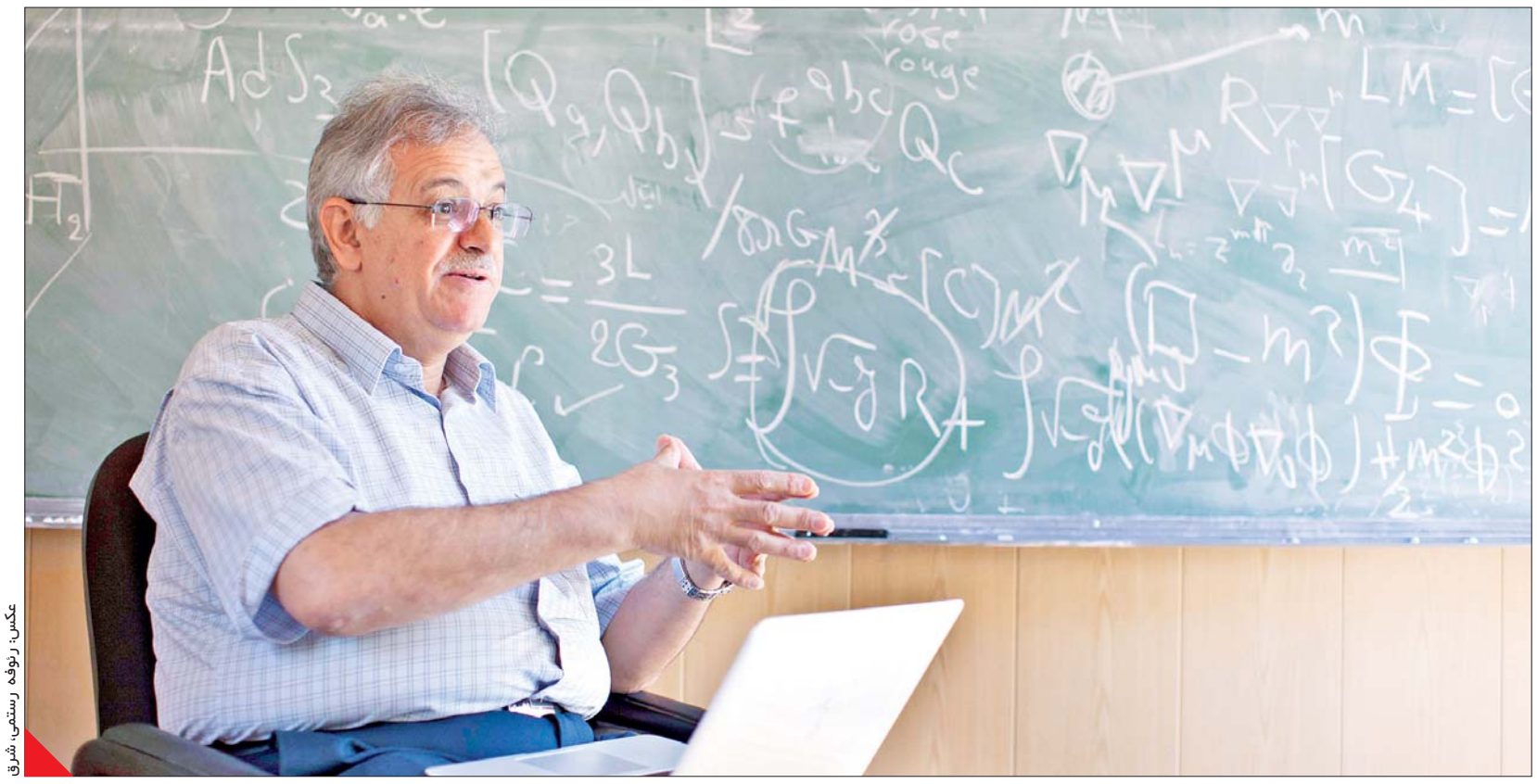

عکس: رئوفه رستمی، شرق

افکار عمومی در فاصله دوماه‌واندی تا انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم و شوراهای پنجم با موضوع انتخابات درگیر نشده‌اند. اگرچه در هفته‌های اخیر، موضوعات سیاسی و انتخاباتی کمابیش مطرح شده است، اما با فضای نشاط انتخاباتی، فاصله بسیار دارد. «احمد شیرزاد»، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم در گفت‌وگو با «شرق»، این فضا را مورد تحلیل قرار داده است.

با توجه به اینکه کمتر از سه ماه به برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری زمان باقی است، شما شرایط کشور در حوزه داخلی را چگونه ارزیابی می‌کنید و این فضا چقدر برای ورود به انتخابات آماده است؟

فضای موجود و پیش‌بینی آن، از قبل هم خیلی دور از ذهن نبود. در دوره‌های اخیر نیز کم‌وبیش با این وضعیت روبه‌رو بوده‌ایم. فعالیت احزاب سیاسی در ایران نیز نزدیک به یک دهه است دچار این وضعیت شده است. فضای سیاسی و انتخاباتی این روزها با دوره اصلاحات که در آن سفرها و جلسات مختلف انجام می‌شد، متفاوت است. اینکه براساس کنش‌های معمول در سطح جامعه، بگوییم فضای کشور آمادگی ورود به انتخابات را ندارد، درست نیست. اتفاقا من معتقدم مردم و جامعه کاملا به سرنوشت خود حساس هستند. اوضاع منطقه و جهان به‌گونه‌ای است که شهروندان نمی‌توانند در آن به سمت بی‌تفاوتی حرکت کنند.

این حساسیت نباید مابازای بیرونی داشته باشد؟

فضای سیاسی داخلی کشور فضایی است که افراد ترجیح می‌دهند تا وقتی شرایط مناسب فراهم نشده وارد صحنه انتخابات نشوند و این ورودنکردن از شکل‌گیری فضای گرم و پرشور ممانعت کرده است؛ اما این‌طور نیست که مردم به مباحث انتخاباتی به‌طورکلی بی‌توجه باشند.

با توجه به اهمیت حساسیت مردم به مباحث سیاسی و انتخاباتی و تلاش برای مشارکت در سرنوشت، فضای کم‌رونق موجود را چگونه باید تغییر داد؟

دانشگاه یکی از مکان‌های اصلی است که برگزاری جلسات و مناظرات مختلف در آن به فضای انتخاباتی شوروحال خاصی می‌دهد که متأسفانه با نزدیک‌شدن به پایان سال و تا اواسط فروردین‌ماه که تعطیلات سال جدید به پایان برسد، تحرک خاصی در دانشگاه‌ها رخ نخواهد داد اما امیدواریم بعد از آن مدیریت دانشگاه‌ها همراهی لازم را برای برگزاری مناظرات با حضور سلیقه‌های مختلف داشته باشند و در برخورد با برگزاری جلسات و سخنرانی‌ها، بازتر عمل کنند تا در مقطع باقی‌مانده شاهد فضای انتخاباتی پربار و فعالی باشیم. من به فضای سیاسی پیش‌روی انتخابات بدبین نیستم چراکه هنوز حساسیت و نگرانی بین مردم وجود دارد و نتیجه انتخابات و اینکه در آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد برای آنها اهمیت بالایی دارد که بخشی از این نگرانی را در مراسم تشییع آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی شاهد بودیم؛ به این معنی که پاسخ نگرانی آنها این است که باید در صحنه انتخابات حاضر شوند تا به تقاضای جامعه در اهمیت رأی آنان پاسخ دهند و کشور را از آسیب‌های احتمالی در امان نگه دارند.

از سخنان شما این‌طور برمی‌آید که ممکن است فضا به‌طورکلی تغییر نکند و حتی نسبت به ادوار گذشته نیز فضا کم‌تحرک‌تر باشد. این مسئله چه تبعاتی دارد؟

وقتی در فضای انتخاباتی از شور و هیجان سیاسی خبری نباشد و درصد شرکت‌کنندگان کم باشد، امکان مانور برای کسانی که می‌خواهند از روش‌های غیرانتخاباتی به نتیجه برسند، بیشتر خواهد شد که این مسئله خطرناک و خطرساز خواهد بود. با مرور نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۷۶، ۹۲ و انتخابات مجلس ۹۴ این نتیجه حاصل می‌شود که وقتی جامعه با حساسیت بالایی در عرصه انتخاباتی حاضر شده است، نتایج چشمگیری داشته و پذیرش خواست مردم را غیرقابل کتمان کرده است؛ بنابراین اگر در این دوره هم جامعه بخواهد با دقت وارد صحنه شود امکان مانور برای کسانی که به روش‌های غیرسیاسی و دموکراتیک می‌اندیشند کمتر خواهد شد و نتیجه انتخابات نتیجه‌ای است که منافع جامعه بیشتر در آن لحاظ خواهد شد.

چرا در ایران، پرداختن به انتخابات از چند ماه قبل، با نوعی غفلت از مردم جلوه داده می‌شود درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته اتفاقا برای درگیرشدن مردم با انتخاب بهتر و آگاهانه‌تر، از ماه‌ها قبل فعالیت‌ها آغاز می‌شود.

بخشی از سردی فضای انتخاباتی مربوط به قانون انتخابات است. غیرواقعی‌دیدن انتخابات باعث شده در آن، زمان تبلیغات انتخاباتی رسمی به صورت واقعا محدود در نظر گرفته شود. در کشور ما قانون این اجازه را نداده است به‌طوری‌که نه صداوسیما، نه مطبوعات و نه خود کاندیداها حق ورود به تبلیغات در هر زمانی را ندارند که این عامل فعالیت در این فضا را سخت‌تر کرده است؛ به‌طوری‌که هر فعالیتی غیر از زمان تبلیغات ممکن است باعث ایجاد پرونده برای کاندیداها مبنی بر غیرقانونی‌بودن تبلیغات آنها شود درحالی‌که در کشورهای دیگر آن‌قدر میتینگ‌های انتخاباتی، مناظره و سفر صورت می‌گیرد که خودبه‌خود فضای انتخاباتی گرمی ایجاد می‌کند.

آیا به‌اجماع‌نرسیدن اصولگرایان درباره انتخابات اردیبهشت آینده، می‌تواند از عوامل سردی فضای انتخاباتی باشد؟ این جریان امروز با چه خلأهایی روبه‌روست و آیا شکاف‌های گذشته این جریان رفع شده است؟

سردرگمی اصولگرایان در اجماع و رسیدن به کاندیدای واحد در ایجاد این فضا تأثیر داشته است چراکه وقتی کاندیدای مشخصی ندارند، بیشتر فعالیتشان در راستای تخریب دکتر روحانی است و این کار را شروع کرده‌اند. آنها اگر می‌توانستند کاندیدایی را به صحنه بیاورند، فضای انتخاباتی منسجم‌تر و پرشورتری شکل می‌گرفت. اصولگرایان فکر می‌کنند با مدیریت‌های هیجانی و گوی هواکردن می‌توانند کسی را بالا بیاورند. آنها هنوز طعم انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ را زیر دندان دارند که یک‌شبه پدیده‌ای مانند احمدی‌نژاد پیدا شود و در هفته‌های آخر کار خود را انجام دهد؛ درحالی‌که اگر یادشان نرفته باشد در انتخابات سال ۹۲ از همین مسئله رو دست خوردند و پدیده‌ای از طیف مقابل پیدا شد. درحالی‌که اگر فضای انتخاباتی شفاف باشد چرا باید دنبال پدیده باشیم؟ باید اجازه دهیم مردم و جامعه از مدت‌ها قبل انتخاب خود را انجام داده باشند، این شیوه رفتاری اصولگرایان در برهه‌های حساس انتخابات شرایط ایجاد یک رقابت سازنده را از بین برده است.

به‌تازگی هم بعد از برگزاری چند نشست انتخاباتی و جبهه‌ای در میان اصولگرایان، شکاف‌ها همچنان خود را نشان می‌دهد. فکر می‌کنید ممکن است دقیقه ۹۰ به توافق برسند و احمدی‌نژاد دیگری را رو کنند؟

درباره اصولگرایان باید بگویم نه به وحدت آنها می‌شود اعتماد کرد و نه به تفرقه آنها. اصولگرایی جناحی است که به دنبال وقایع و اتفاقات عجیب می‌گردد و فکر می‌کند در دقیقه ۹۰ می‌توان کار شاقی کرد و بمب انتخاباتی ترکاند. بعضی اوقات درحالی‌که هیچ انتظاری نمی‌رود همه‌شان ساکت می‌شوند و به نفع یک کاندیدا کنار می‌روند؛ همان اتفاقی که سال ۸۸ افتاد؛ درحالی‌که امروز حتی صداوسیما که بلندگوی آنهاست ادعا می‌کند احمدی‌نژاد اصولگرا نبوده است. امروز طوری حرف می‌زنند که انگار اصلاح‌طلبان احمدی‌نژاد را بالا آورده‌اند و یادشان رفته که همه گروه‌ها صف اندر صف کاندیدا داشتند و وقتی احمدی‌نژاد وارد صحنه شد، از وی حمایت کردند. حمایت، شوخی‌بردار نیست. اینها از وی حمایت کردند و امروز می‌گویند که احمدی‌نژاد اصلا اصولگرا نبوده است؟ این خیلی عجیب است که آنهایی که به هر دلیلی از وی حمایت کردند و راه را برایش باز کردند، امروز می‌گویند اصولگرا نبوده است؛ بنابراین قاعده‌مندانستن رفتارِ رقیبِ اصولگرایی که دچار درهم‌ریختگی است، درست نیست و متأسفانه ما با جبهه‌ای روبه‌رو هستیم که براساس نرم و معیار سیاسی رفتار نمی‌کند؛ همان طور که در انتخابات مجلس در شهرستان‌ها شاهد بودیم که با هر روشی سعی در حذف حریف‌های قدر داشتند تا شخص مورد نظر خود را بالا بکشند که احتمالا این روند در انتخابات شوراها نیز تکرار خواهد شد. متأسفانه اصولگرایان به روش‌های غیرانتخاباتی دل بسته‌اند و مدیریت‌شان مدیریت سیاسی معروف و شناخته‌شده حزبی نیست.

خوشبختانه فضای رسانه‌ای از حالت تک‌صدایی خارج شده است و شبکه‌های اجتماعی هم به رسانه‌های مستقل که تا حدی مورد اقبال مردم هستند اضافه شده‌اند. آقای روحانی ظرفیت مناسبی برای رأی‌آوردن دارد. به‌هرحال او وعده اصلی خود، یعنی بهبود وضعیت ایران در سیاست خارجی را عملی کرده است. حتی اگر ترامپ، رفتارهای رادیکال از خود نشان دهد، باز هم مردم دیپلماسی دولت را تأیید می‌کنند

اصلاح‌طلبان در این دوره نیز منسجم عمل می‌کنند؟

مشکلات و تنگناهای زیادی در مسیر اصلاح‌طلبان وجود دارد، تلاش این جناح این است که بتواند از طریق ساختار حزبی در انتخابات نقش ایفا کند و در واقع راهی غیر از این ندارد. پایبندی به ضوابط دموکراتیک، جزء اصولی است که اصلاح‌طلبان همواره مدنظر داشته و دارند. ما در عین اینکه اذعان داریم در مسیر دموکراسی از بسیاری از جوامع اطراف کشورمان پیشرفته‌تر هستیم و فضای سیاسی پیشرفته‌تری داریم، از جوامع پیشرفته عقب‌تر هستیم. برخی اصولگرایان اخیرا تلاش می‌کنند بر نقش تحزب پافشاری کنند، اما آن قدر از روش‌های دیگر سود بردند که به‌راحتی نمی‌توانند از آنها دست بکشند. قطعا وقتی مسیر انتخابات از شفافیت برخوردار باشد و با تکیه بر تحزب پیش رود، انتخاباتی سالم خواهیم داشت. در دوره‌های گذشته گروهی که شور و حال به فضای انتخاباتی می‌دادند، اصلاح‌طلبان بودند، آنها همیشه موتور محرکه جامعه برای شرکت در انتخابات بوده‌اند، اما در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل اینکه اصلاح‌طلبان کاندیدای مشخص و شناخته‌شده‌ای برای حضور در انتخابات دارند، احساس نیاز چندانی به فضاسازی مفصل، لابی‌گری و ایجاد کمپین نمی‌کنند و فعالیت‌هایشان فقط در سطح سیاسی جریان دارد. از طرف مقابل هم اصولگرایان به دلیل سردرگمی و فقدان کاندیدای مشخص هنوز وارد صحنه نشده‌اند و فعالیت مثبتی ندارند؛ اما تا دلتان بخواهد فعالیت منفی دارند. اینها مدت‌هاست که داور سوت نزده، دویدن را شروع کرده‌اند و تخریب دولت را که از نگاه آنها پاداش دنیوی و اخروی دارد، دنبال می‌کنند؛ اما اگر نتوانند کاندیدای مشخصی را وارد صحنه کنند، تمام تلاششان بی‌نتیجه خواهد بود.

مطبوعات، رسانه‌ها و به‌ویژه صداوسیما چه نقشی باید در ایجاد فضای انتخاباتی ایفا کنند و در این برهه حساس از کشور چه انتظاری از آنان می‌رود؟

قانون غیر از زمان مشخص شده برای تبلیغات، اجازه‌ای برای حضور کاندیداها و برگزاری مناظرات و گفت‌وگوها در رسانه ملی در این برهه نمی‌دهد. صداوسیما با این وضع و مدیریتی که دارد هر چه کمتر وارد صحنه سیاست شود، بهتر و اعصاب مردم راحت‌تر است. اگر ما صداوسیما را تشویق به ورود به صحنه انتخاباتی کنیم، اینها اجازه صحبت به اصلاح‌طلبانی را می‌دهند که فقط خودشان می‌پسندند و با توریزی که دارند گزینشی عمل و همه را از فیلتر خود رد می‌کنند تا مثلا بگویند به اصلاح‌طلبان هم فرصت داده‌اند. ما حاضریم یک چیزی هم تقدیم‌شان کنیم که اینها از ما دفاع نکنند، از طرفی رسانه عمومی هم به بهانه اخبار پشت پرده انتخابات، مسائلی را مطرح می‌کند که بیشتر جنبه تخریبی دارد؛ بنابراین ما ترجیح می‌دهیم صداوسیما راجع به مسائل اقتصادی و اجتماعی صحبت کند و وارد فضای سیاسی نشود، مگر اینکه واقعا بخواهد بی‌طرفانه به کاندیداهای مشخص وقت دهد.

دولت در سال‌های اخیر، جز در رسانه‌های مستقل مانند روزنامه‌ها و وب‌سایت‌ها، رسانه‌ای در اختیار نداشته است. با این شرایط برای دکتر روحانی دشوار نخواهد بود که کارنامه چهارساله خود را برای مردم توضیح دهد؟

خوشبختانه فضای رسانه‌ای از حالت تک‌صدایی خارج شده است و شبکه‌های اجتماعی هم به رسانه‌های مستقل که تا حدی مورد اقبال مردم هستند اضافه شده‌اند. آقای روحانی ظرفیت مناسبی برای رأی‌آوردن دارد. به‌هرحال او وعده اصلی خود، یعنی بهبود وضعیت ایران در سیاست خارجی را عملی کرده است. حتی اگر رئیس‌جمهور جدید وارد شده به کاخ سفید، رفتارهای رادیکال از خود نشان دهد، باز هم مردم و سایر کشورها عملکرد دیپلماسی دولت را تأیید می‌کنند. آقای روحانی در وزارت امور خارجه یکی از محبوب‌ترین چهره‌ها، یعنی آقای ظریف و تیمش را برگزید. دولت در دید مردم نمره بالایی در سیاست خارجی دارد. در زمینه‌های اقتصادی هم اگر جامعه به خاطر بیاورد که آقای روحانی در چه شرایطی دولت را تحویل گرفت و با وضعیت کنونی مقایسه کند، نمره مثبتی مجموعا به دولت در این زمینه خواهد داد. ضمن اینکه بدنه فرهیخته جامعه از روی‌کارآمدن گروه‌های تندرو نگران است که باعث می‌شود به نیروهای توسعه‌گرا اعتماد بیشتری داشته باشند. ایشان می‌تواند از تریبون‌های رسمی که در اختیار دارد، نه به عنوان تبلیغ برای انتخابات، بلکه به عنوان حق طبیعی برای بیان آنچه انجام شده یا نشده، استفاده کند. در ایام انتخابات از آقای روحانی انتظار داریم صادقانه در پیشگاه ملت حرف بزند. البته طبیعی است که معذوراتی دارد که نمی‌تواند در همه امور شفاف حرف بزند، اما صرف‌نظر از آن معذورات باید در جاهایی که می‌تواند، صادق باشد. از دولت انتظار می‌رود که قول تلاش و همکاری بدهد. این روش، محدودیت‌های احتمالی را که برای ایشان پیش می‌آید پوشش می‌دهد. من قبلا هم در گفت‌وگو با «شرق»، این پیشنهاد را داده‌ام. دولت روحانی می‌تواند از یک تیم منسجم و کارکشته متشکل از مشاوران رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی استفاده کند که کار رسانه را به شکل عملی انجام داده باشند. می‌دانیم نوع عملکرد افرادی که به حرفه روابط‌عمومی مشغول هستند نیز با حرفه رسانه فرق می‌کند؛ روابط‌عمومی‌ها بیشتر روی اطلاع‌رسانی رسمی متمرکز هستند. متأسفانه باید گفت نیروهایی که در گذشته در روابط‌عمومی‌ها فعالیت می‌کردند، خروجی موفق‌تری داشتند؛ بنابراین فعالیت رسانه‌ای دولت باید در نهاد ریاست‌جمهوری بازبینی شود و ریاست‌جمهور باید توجه کند تیم فعلی رسانه‌ای ضعیف است و دولت به نیروهای توانمند و شناخته‌شده رسانه‌ای نیاز دارد که هم به روزنامه‌نگاری مسلط باشند و هم با شناخت افکار عمومی و نیازهای آن، استراتژی رسانه‌ای تدوین کنند و فقط نیروی واکنشی نباشند؛ این مسئله در این دو ماه، جدی‌تر هم خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

آزادگی در سیاست

۵- او به دنبال نفی اندیشه و باور «من و دیگری» بود. باوری که سال‌ها و دهه‌ها دنیای غرب را در برابر مسلمانان، خودبرتر و خودمحور کرده بود و از دل همان باور غلط «جنگ و برخورد تمدن‌ها» پدیدار شد. در داخل کشور هم سال‌هاست که اندیشه من و دیگری که نتیجه‌اش همسازی همه مردم با یک پندار بود، تکثر و تنوع فکری و رفتاری (البته قانونمند) را مانع شده و می‌خواهد بدون توجه به نوسازی فکر و نسل، بر همان پاشنه به اصطلاح «اصالت» بچرخد و «معاصرت» و «عصری‌سازی» را نادیده بگیرد. هاشمی به‌عنوان یک زمامدار درون حاکمیت، زمانه را و ضرورت عصری‌سازی فکر، برنامه‌ریزی و نحوه مدیریت را شناخته بود و باور داشت هم تفکر سیاسی- انقلابی در ایران حقوقی دارد، هم اندیشه اصلاحی و هم گفتمان نوگرایی دینی. او می‌خواست از قدرت خود بهره بگیرد تا به قول «کارل ارنست» اسلام‌شناس معاصر آمریکا از «گسست تفاهم» ملی جلوگیری کند تا شیاربندی‌های مناسبات جناحی مانع رشد سیاسی -اجتماعی جامعه ایران نشود.

این مختصات پنج‌گانه که ذکر شد، روح کلی مانیفست اصلاحات است که بارها درباره آن سخن گفته شده است.

رمز نزدیکی زمامدار مرحوم آیت‌الله هاشمی و اصلاحات، نزدیکی دو اندیشه است.

در سال پیش‌رو که انتخابات ریاست‌جمهوری در پیش است و آیت‌الله هاشمی (ره) نیست، قطعا انتخاباتی شکل خواهد گرفت که نامزد اصلی اصلاح‌طلبان گفتمانی را با پوشش محورهای پنج‌گانه مذکور دنبال کند.

بی‌تردید رئیس‌جمهور فعلی بدون توجه به این شاخص‌های اصلاح‌طلبانه هاشمی نخواهد توانست رقابت جدی پیروزبخش داشته باشد و با این پارادایم است که می‌توان امیدوار بود.

رقیب جریان پیش‌گفته اگر «سخت» نه بلکه «نرم» بازی کند و به صحنه رقابت بیاید، جز تغییر جزئی رأی رئیس‌جمهور موردنظر اصلاح‌طلبان، نهایتا کاری از پیش نخواهد برد.

فقط باید به این نکته توجه داشت فقدان آیت‌الله هاشمی یک «ثلمه» است اما در عرصه سیاست‌ورزی مسئله نیست؛ رویکرد او در یک دهه گذشته پشتوانه خوبی برای اصلاح‌طلبان و هواداران دولت و اصولگرایان عاقل خواهد بود.

مشترکات فراوانی که دو طیف اصلاح‌طلبان را به هم نزدیک کرد، اینک باید سرلوحه سیاست‌گذاری روحانی باشد به‌جد. اگر نه به اعتبار ماهیت «پارادوکسیکال قدرت» که روان‌شناس معروف آمریکایی- Dacher Keltner - به وضوح درباره این پارادوکس و ناهمسازی در کتابش- The Power Paradox - سخن می‌گوید، ممکن است این ماهیت ناهمساز او را گرفتار کند. باید برای پوشش این خلأ (نبود هاشمی) دولت جدید و رئیس آن، اصول پنج‌گانه مذکور را در عصر و روزگار حیات مدرن جدی بگیرد و این ضرورت را ملکه ذهن خود و دولتمردانش بداند. روحانی باید برای خود یک شناسنامه فرهنگی- سیاسی- اجتماعی بنگارد براساس اصول اصلاح‌طلبانه مذکور، تا مانند هاشمی در جامعه ایران با چهره محبوب و نویی در تاریخ ماندگار باشد. اصلاحات و سران آن ماندگار شد، هاشمی ماندگار شد، روحانی هم برای ماندگاری نیازمند به یک بازنگری و بازاندیشی است. باید نشان دهد در نبود هاشمی و دیگران رویکرد «اصلاح- تعامل» هاشمی می‌تواند سند تاریخیت دولت او باشد.

ادامه از صفحه ۱۰

در اندیشه ایران

آنچه درباره باور علمی در عرصه کشورداری، مدنظر است، مقوله علم نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه به منظور نگاهی عالمانه بر اداره امور کشور است. در کشورهای توسعه‌یافته همان‌گونه که بین بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی و بین صنعت و دانشکده‌های فنی و مهندسی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، بین دانشکده‌های اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل و... با تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان در نهادهای قانون‌گذار و اجرائی ارتباط وجود دارد. مقامات مسئول تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که در پژوهشکده‌های مربوطه مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته‌اند. به عبارتی اداره امور مبتنی بر داده‌های علمی و نه براساس برداشت‌های ذهنی و سلیقه‌ای است و تصمیمات سیاسی قبلا در دانشکده‌های مربوطه اتخاذ می‌شوند. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه تصمیمات اگر براساس منافع شخصی، باندی، گروهی و حب و بغض‌ها نباشد در خوشبینانه‌ترین حالت متأثر از سلیقه‌ها و برداشت‌های ذهنی است.

۸- در کنار موارد فوق، موضوعی که علم سیاست و دانش کشورداری را در تنگنا قرار می‌دهد، حساسیت، مخالفت و بعضا مقابله حاکمان با تولید، نشر و آموزش دانش سیاست به معنای واقعی کلمه است. پزشکان، مهندسان و زیرمجموعه‌های این رشته‌های علمی بدون دغدغه، مطالعات علمی خود را انجام می‌دهند و داده‌های تحقیقاتی را منتشر می‌کنند. برای مثال یک زیست‌شناس، مطالعات خود را بر انواع گونه‌های گیاهی و جانوری متمرکز می‌کند و داده‌های علمی خود را از طریق مجلات علمی، کتاب، رسانه‌ها و مهم‌تر از آن آموزش به دانشجویان بدون دغدغه پیگیری می‌کند و...؛ اما یک عالم سیاسی نمی‌تواند همه یافته‌های علمی خود را حتی اگر برای جامعه و کشور بسیار مفید باشد در اختیار دیگران قرار دهد یا نسبت به آموزش آن اهتمام ورزد.

۹- با وجود همه این مشکلات در حوزه مسائل سیاسی متأسفانه غیرمتخصصان ادعای بیشتری از صاحب‌نظران در این امور دارند.

۱۰- به دلیل حساسیت‌هایی که صاحبان قدرت در مورد موضوعات سیاسی دارند، عالمان سیاسی نیز از ورود به بسیاری از مباحث کاربردی و مورد نیاز کشور خودداری می‌کنند.

مجموعه این عوامل باعث شده است که علم سیاست در کشورهایی مثل ایران از تأثیرگذاری چندانی برخوردار نباشد. این در حالی است که مدرسه علوم سیاسی بعد از دارالفنون قدیمی‌ترین مرکز آموزش عالی در ایران بوده است، حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که در چنین شرایطی برای اینکه در عرصه سرنوشت و اتخاذ تصمیمات در حوزه عمومی دانش‌آموختگان مربوطه تأثیرگذار باشند و باور علمی صاحب‌منصبان به اداره کشور و جامعه تقویت شود و مهم‌تر از آن آگاهی عمومی برای انتخاب بهترین‌ها افزایش یابد، چه کار باید کرد؟ واکاوی این موضوع بیانگر ضعف فرهنگ عمومی به‌ویژه فرهنگ نخبگان سیاسی و اجرائی است که اتفاقا از مهم‌ترین دلایل توسعه‌نیافتگی کشور نیز می‌باشد. کمااینکه چون در جست‌وجوی دلیل مانایی و پایداری بنای بلند و مستحکم توسعه‌نیافتگی ایران بر می‌آییم، خشت‌هایی چون ضعف تفکر عقلانی و رواج اخباری‌گری، عدم تحول ساختاری نظام آموزشی، عدم باور علمی در عرصه سیاست و حکومت، چگونگی تعامل با نظام بین‌الملل، ساختار متمرکز و ناکارآمد نظام اداری، عدم نهادمندی احزاب و تشکل‌های سیاسی، فقدان استراتژی مناسب اقتصادی، حاکمیت رویکردهای اقتدارگرایانه و استبداد سیاسی، فساد مالی، اداری و غیره را می‌بینیم که این بنا را برافراشته‌اند؛ اما باور کنید سیمانی که بنیان و خشت‌های ساختمان توسعه‌نیافتگی را بر هم مستحکم نموده است، همانا فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی به‌ویژه فرهنگ نخبگان حاکم آن در طول تاریخ بوده است. کمااینکه در ایران سیاست و حکومت بر فراز منازعه، تفرقه و اختلاف بنا شده است و نه براساس همکاری، تفاهم و ائتلاف. زیربنای هر توسعه، به فرهنگ و توسعه فرهنگی هر جامعه، به‌ویژه فرهنگ نخبگان سیاسی و اجرائی آن باز می‌گردد. بنابراین، چاره‌ای جز آگاهی‌بخشی و ارتقاء فرهنگ مردم و مسئولان کشورها وجود ندارد. این در حالی است که چون تولیدات علمی کمتر مورد توجه سیاست‌مداران واقع می‌شود، عالمان علم سیاست، بعضا سرخورده و ناامید از ابداع و خلاقیت‌ها راه انزوا را در پیش می‌گیرند. پژوهش‌های این حوزه اگر مجال انتشار یابند در مجلات علمی- پژوهشی با نسخ بسیار محدود تنها زینت‌بخش کتابخانه‌ها و آرشیو مجلات علمی، پژوهشی است. در چنین شرایطی علم سیاست که متاعی خاص می‌باشد، باید به عرصه عمومی بازگردد. پژوهش‌ها از حوزه نظری صرف به عرصه‌های میدانی و کاربردی نقل مکان کنند و با بیانی ساده با استفاده از رسانه‌های جمعی به سمع و نظر عموم رسانده شود.

ادامه از صفحه ۱۰

راز چرخش‌های تازه آنکارا

حال این سؤال مطرح است که آیا سیاست چرخش به سمت جناح متخاصم ایران از سوی اردوغان می‌تواند در صحنه عمل نیز پیاده شود. آیا صدای غیردوستانه اردوغان علیه ایران مورد قبول افکار عمومی و مورد اجماع جریان‌های قدرت در ترکیه هست. واقعیت این است که پشت این چرخش‌ها و رنگ عوض‌کردن‌های اردوغان، هیچ تفکر و استراتژی مشخصی دیده نمی‌شود. آن‌گونه که ناظران ترکیه و رسانه‌های این کشور گزارش می‌کنند، رفتارهای اخیر رئیس‌جمهور ترکیه بیش از آنکه برآمده از یک سیاست و عزم ملی باشد، عمدتا حرکت‌ها و تاکتیک‌های فردی است. نکته مهم این است که اردوغان اکنون در ضعیف‌ترین موقعیت منطقه‌ای و تاریخی خود قرار گرفته است. او بسیاری از عقبه‌های حمایتی خود در داخل و خارج را از دست داده است. حزب عدالت و توسعه که زمانی قطب قدرت در این کشور بود، اکنون بعد از چند انشقاق و انشعاب، بسیاری از نخبگان و سرمایه‌های خود را از دست داده است. در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای، سیاست‌های او بیش از صحنه داخلی با ناکامی همراه شده است. جنگ سوریه که اردوغان وارد یک شرط‌بندی تاریخی در آن شد و آشکارا وعده سقوط اسد را داد، به باتلاقی بزرگ برای این کشور تبدیل شده که از یک سو تنور جنگ قومیتی با کردها را شعله‌ور کرده و از سوی دیگر سیل ویرانگر مهاجران را روانه این کشور کرده است. روابط او با اروپا و پروژه پیوستن به این اتحادیه نیز بعد از موج سرکوب منتقدان و مخالفان داخلی به‌کلی دستخوش تنش شده است. بازیگران منطقه‌ای مثل اسرائیل و عربستان نیز با بهره‌گیری از همین موقعیت شکننده و نقاط ضعف اردوغان در باغ سبز جدید را به روی رهبری ترکیه گشوده‌اند. چندان دور از انتظار نیست که لابی عربی و صهیونیستی در جریان سفر منطقه‌ای او وعده سهیم‌کردن اردوغان در سوریه را داده باشند و اردوغان را که همه کارت‌هایش را در مبارزه با اسد سوزانده است، به فردای نامعلوم عصر پس از ترامپ امیدوار کرده باشند.